

## فراگیری نحو زبان فارسی (یک تحقیق موردی: ۳۶ تا ۵۰ ماهگی)

دکتر سید محمد ضیاء حسینی

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی

ماندانا نوربخش

دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی دانشگاه تهران

### چکیده

در این مقاله رشد زبانی یک کودک فارسی زبان از نظر نحوی مورد بررسی قرار می‌گیرد. این مقاله حاصل پژوهشی است که به صورت تک‌موردی و طولی بین سنین ۳۶ تا ۵۰ ماهگی انجام گرفته است. جمع‌آوری اطلاعات به صورت طبیعی بوده و البته در بعضی موارد از روش تجربی نیز استفاده شده است. در این تحقیق انواع جملات تولید شده کودک از نظر ساختاری، زمان دستوری، مطابقه و وجه و همچنین ساخت‌های معلوم و مجهول ساختار درونی گروه‌های اسمی، روابط ضمائر و سایر موارد مربوط به حوزه نحو مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته‌اند.

### کلیدواژه‌ها: فراگیری زبان اول، نحو، روان‌شناسی زبان

### مقدمه

فراگیری زبان اول از جمله مباحثی است که امروزه مطالعات نظری و عملی بسیاری را به خود اختصاص داده است. زبان‌شناسان و روان‌شناسان زبان، همه روزه می‌کوشند تا به مطالعه جنبه‌های زبان‌شناختی و روان‌شناختی این پدیده مرموز هستی بپردازند و پرده از رازهای بیکران این فرایند بزرگ آفرینش بردارند. با وجودی که در این زمینه مطالعات فراوانی صورت گرفته است، هنوز نکات مبهم و سؤالات بسیاری برجاست که پژوهش بیشتری را می‌طلبد.

در کشورهای پیشرفته در زمینه‌های مختلف این پدیده، مطالعات مفصلی صورت گرفته و می‌گیرد. به این ترتیب بیش از صدها کودک با روش‌ها و ابزار گوناگون مورد مطالعه قرار گرفته‌اند و فراگیری جنبه‌های مختلف زبان آنها ارزیابی و مقایسه شده است. (داروین ۱۸۷۷، هال ۱۹۰۷، برکو ۱۹۵۸، مک نیل ۱۹۷۰، براون ۱۹۷۳، کرتیس ۱۹۷۷، مک وینی ۱۹۷۸، کلارک ۱۹۸۲، ردفورد ۱۹۹۰ و...)

در اواسط دهه ۱۹۵۰ انقلابی در مطالعات فراگیری زبان صورت گرفت و کارهای چامسکی محققان را به سوی مدل‌های جدید پژوهش کشانید. "چامسکی در سال ۱۹۷۳ در کتاب خود تحت عنوان ساخت منطقی نظریه زبان‌شناسی مسئله اصلی برای ارائه نظریه زبان‌شناسی را در شناخت شیوه فراگیری زبان توسط کودک می‌داند" (میرعمادی، ۱۳۷۶: ۴). رسیدن به حد اعلا کفایت دستوری یعنی کفایت تبیینی که قادر به توضیح شیوه یادگیری زبان توسط کودک باشد، جز در سایه مطالعه گفتار کودکان میسر نیست.

در مورد فراگیری زبان فارسی نیز پژوهش‌هایی صورت گرفته است (فهمیم ۱۳۷۲، جبرئیلی ۱۳۷۰، رحمتی راد ۱۳۷۷، رضوی ۱۳۷۶، نوربخش گیتا ۱۳۷۷، آقاباقری ۱۳۷۹ و...) ولی تعداد این مطالعات از نظر کمی بسیار اندک است و هنوز با جمع‌آوری اطلاعات مربوط به این تحقیق‌ها نمی‌توان در مورد فراگیری زبان

فارسی به مدلی نظری دست یافت. از جمله مباحثی که زیاد بدان پرداخته نشده، رشد نحوی کودک فارسی زبان است.

مقاله حاضر بخشی از یک تحقیق موردی است که نتایج حاصل از بررسی اطلاعات جمع‌آوری شده را در حوزه نحو منعکس می‌سازد.

هدف این پژوهش به دست آوردن اطلاعاتی در مورد رشد زبانی کودک فارسی زبان و چگونگی ترتیب فراگیری بعضی از صورت‌ها بوده است و اینکه آیا این رشد زبانی با مطالعاتی که درباره سایر زبان‌ها صورت گرفته است، هم‌خوانی دارد یا خیر؟

منطق اصلی نهفته در طرح، بر پایه مقایسه‌ای قرار دارد که بین مقاطع زمانی جمع‌آوری داده‌ها به عمل می‌آید و همچنین مقایسه گفتار آزمودنی در هر مقطع با رفتار بزرگسالان فارسی زبان موردنظر بوده است.

### روش پژوهش

این تحقیق بر روی فرزندم با نام علمی آرش انجام شده است که تحقیقی است تک‌موردی به صورت طولی و ۱۴ ماه ادامه داشته است. سن آزمودنی در شروع تحقیق ۳۶ ماه بوده و این تحقیق تا ۵۰ ماهگی (چهارسال و دو ماهگی) به طول انجامیده است.

شیوه گردآوری اطلاعات، طبیعی بوده و به صورت روزانه بدون در نظر گرفتن خطاها یا اشتباهات زبانی یا موارد خاص دیگر از گفتار وی نمونه‌برداری شده است. البته هر جا لازم بوده تا فراگیری ساختی مورد آزمایش قرار گیرد از بازی‌های زبانی یا پرسش و پاسخ استفاده شده است. نمونه برداری‌ها به صورت یادداشت‌های روزانه و ضبط نوار صوتی بوده است و کلیه آنها با ذکر تاریخ و شرایط محیطی و البته به صورت مکالمه می‌باشد. هنگام یادداشت مکالمات نیز هر جا لازم بوده توضیحاتی در مورد موقعیت داده شده است. شایان ذکر است که کلیه افراد خانواده به زبان فارسی معیار صحبت می‌کنند و آزمودنی با دوزبانگی یا لهجه‌های گوناگون زبان فارسی در خانواده مواجه نبوده است.

### نتایج و بحث

از آنجایی که نتایج، بسیار متنوع هستند، هریک با عنوان موضوع نحوی خود مطرح شده و در صورت لزوم بحث مربوط به هر نتیجه گیری به دنبال آنها عرضه می‌گردد.

### انواع جملات

در ماه‌های آغازین، جملات بسیار ساده و کوتاه هستند. جملات درونه‌دار - که بسیار نادرند - عاری از هرگونه پیچیدگی بوده و در هیچ یک از آنها حرف ربط (که) حضور ندارد. جملات هم‌پایه نیز فقط به صورت متوالی بدون حضور حرف عطف به چشم می‌خورند و فقط حضور کلمه "بعد" در چند مورد دیده می‌شود. به طور کلی تعداد جملات مرکب و هم‌پایه بسیار کم است. نمونه‌ای از جملات مرکب در ماه‌های آغازین به صورت زیر می‌باشد:

۳۱ ماه و ۷ روز

(۱) برای اینکه گرگه (که) ببعیارو می‌خوره، تو رو نخوره

۲) رفت تو خونه (ای که) درست کردم  
۳۹ ماه و ۹ روز  
ردفورد (۱۹۹۰) در مطالعاتی که بر روی نحو اولیهٔ کودکان صورت داده است نیز با تفاوتی که میان گروه‌های واژگانی<sup>۱</sup> و دستوری<sup>۲</sup> از جهت فراگیری زبان قایل شده است، به عدم حضور حرف ربط در گفتار کودکان اشاره کرده و نتیجه گرفته است دستور اولیهٔ کودکان فاقد گره<sup>۳</sup> cp است که از جمله گروه‌های دستوری می‌باشد و به همین دلیل حرف ربط در جملات آنها حضور ندارد. بدین ترتیب تحقیق حاضر نیز از این نظر فرضیهٔ وی را تصدیق می‌نماید.

برای نمونه‌ای از جملات همپایه در ماه‌های آغازین می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- ۳) اول باید پوساشو می‌کنم، می‌خورم  
۳۶ ماه و ۲۶ روز
- ۴) این طوری ریختم بعد پختم  
۳۶ ماه و ۱۹ روز
- ۵) موشک تند می‌ره، خراب می‌شه، آتیش می‌گیره  
۳۹ ماه و ۱۹ روز
- نکتهٔ قابل توجه در مورد جملات همپایه، عدم استفاده از حرف عطف "و" (یا به عبارت بهتر پی بست -O-) برای همپایه کردن جملات تا ماه‌های میانی تحقیق است. در صورتی که تحقیقات نشان می‌دهد کودکان انگلیسی زبان به عنوان اولین و ساده‌ترین حرف عطف از کلمهٔ "and" استفاده می‌کنند. (بلوم، ۱۹۸۰)
- البته آزمودنی برای همپایه کردن گروه‌های اسمی از حرف "و" (پی بست -O-) استفاده می‌کرد.
- ۶) نارنگی و انگور خوردم  
۳۶ ماه و ۱ روز

در طول تحقیق ملاحظه می‌شود که به تدریج جملات طولانی‌تر و پیچیده‌تر می‌شوند و به تدریج بر تعداد جملات همپایه و مرکب افزوده شده و حروف ربط و عطف متنوع در آنها به چشم می‌خورد. در ماه‌های پایانی حتی جملات سادهٔ طولانی و کامل وجود دارند که در اکثر آنها گروه‌های اسمی طولانی، گروه‌های حرف اضافه‌ای و گروه‌های صفتی به چشم می‌خورد. نمونه‌هایی از جملات ساده در ماه‌های پایانی:

- ۷) اون موش گنده از توی اون سوراخه زد پیشی رو با دمش  
۴۷ ماه و ۷ روز
- ۸) یه دفعه تو اون پارک جلوی خونهٔ آزاده/ینا من قطار بازی کردم  
۴۹ ماه و ۶ روز

در ماه‌های میانی به تدریج با اضافه شدن بر گوناگونی انواع همپایگی از حرف عطف "و" نیز استفاده شد. در ماه‌های پایانی با انواع گوناگونی از جملات هم‌پایه روبه‌رو هستیم. در این ماه‌ها آزمودنی قادر بود تعدادی از جملات را با حروف عطف و ربط به یکدیگر ارتباط داده، به گفتار خود انسجام ببخشد:

- ۸) رئیسشون از بالای کوه‌ها می‌افته، می‌میره، بعد دایناسورا با هم  
۴۸ ماه و ۱۷ روز
- می‌جنگن بعد با مشت یکی رو پرت می‌کنن این‌ور یکی شونو پرت می‌کنن  
اون‌ور بعد حواسشون نیست یه دفعه یه دونه شونو با دمش می‌گیره وقتی  
رفت زیر دمش بعد می‌ره می‌ره می‌ره تا دمش دربیاد آخه رئیسشون خیلی سنگینه

<sup>1</sup> lexical

<sup>2</sup> functional

<sup>3</sup> complementizer phrase

تعداد زیاد جملات هم‌پایه و تنوع آنها در ماه‌های پایانی قابل تأمل است. نمونه‌هایی از انواع جملات هم‌پایه در ماه‌های پایانی به این شرح است:

- (۹) آدم آهنیه با دستش زد تو سرم و افتادم  
 ۴۸ ماه ۲ روز
- (۱۰) پارک ساعی بود یا پارک نگار اینا  
 ۴۹ ماه و ۷ روز
- (۱۱) مونا می‌زاره تازه با اسباب بازی کنم ولی محمد نمی‌زاره آخه  
 ۴۹ ماه ۲۰ روز  
 اسباب بازیشو دوست داره
- (۱۲) تراش بیارم نه پاک کن  
 ۴۹ ماه و ۳ روز
- (۱۳) این بی‌سیم نه مال وودیه نه مال بازه (وودی و باز دو شخصیت کارتونی هستند)  
 ۴۹ ماه و ۷ روز
- (۱۴) هم تو رو دوست دارم هم اینو دوست دارم  
 ۴۸ ماه و ۲۳ روز

تعداد جملات مرکب نیز در ماه‌های پایانی بسیار زیاد است، برای نمونه از این نوع جملات، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- (۱۵) حالا که این‌طور شد وسایلمو گذاشت اون تو، منم وسایلمو می‌زارم تو  
 ۴۸ ماه و ۴ روز  
 کمد تا بفهمه
- (۱۶) من می‌خوام اینواز اینجا قیچی کنم که قشنگ‌تر بشه تا اینا دلشون  
 ۴۹ ماه و ۱۹ روز  
 بسوزه
- (۱۷) مامان بگم اگه زمین ما سوراخ بشه چی می‌شه؟  
 ۴۸ ماه و ۲۶ روز

در مورد جمله‌های مرکب نکته‌ای که در ماه‌های پایانی مشاهده می‌شود، این است که جمله‌واره‌های ربطی که وابسته، اسم در گروه اسمی هستند، همگی توضیح دهندهٔ مفعولند. این نکته با نتایج حاصل از تحقیقاتی که بر روی زبان انگلیسی صورت گرفته است، هم‌راستا است. (لیمبر، ۱۹۷۳ و منیوک، ۱۹۷۱)

## وجه

جملات ثبت شده نشان می‌دهند که آزمودنی در آغاز تحقیق با وجوه خبری، پرسشی، التزامی و امری آشناست. جملات پرسشی، برخی با تغییر آهنگ جمله و برخی دیگر با استفاده از پرسش‌واژه‌ها تولید شده‌اند:

- (۱۸) دیدی ببعی رو؟  
 ۳۶ ماه و ۱۰ روز
- (۱۹) چرا درست نمی‌شه؟  
 ۳۶ ماه و ۸ روز

در مورد جملات امری و التزامی ساختار جملات مشکلی ندارند و تنها مشکل آنها به صرف افعال باز می‌گردد. این مشکل عبارت است از استفادهٔ نادرست از پیشوند *mi-* به جای استفاده از پیشوند *be-*. این مورد حتی در مورد فعل‌های امری که بدون پیشوند هم به کار می‌روند وجود دارد و آزمودنی به آغاز این افعال هم پیشوند *mi-* اضافه می‌کند.

- (۲۰) ولکم می‌کن  
 ۳۶ ماه و ۶ روز

- (۲۱) حالا اینو صاف می‌کن  
۳۶ ماه و ۲۱ روز
- (۲۲) می‌بینش  
۳۶ ماه
- در مورد این مشکل در میانه راه با مواردی از خود اصلاحی<sup>۱</sup> روبه‌رو شدیم و در ماه‌های پایانی این مشکل دیگر به چشم نمی‌خورد:
- (۲۳) اینو می‌ده به خودم، اینو بده به خودم  
۳۸ ماه و ۱۱ روز
- جملات تعجبی در سه ماه اول تحقیق یک یا دو مورد ثبت شده‌اند؛ ولی نخستین بار در ماه چهارم تحقیق با تعداد قابل توجهی از این گونه جملات برخورد می‌کنیم:
- (۲۴) عجب پیشیه ناقلا بیه!  
۳۹ ماه و ۲۹ روز
- (۲۵) چه ماشینیه!  
همچنین در ماه چهارم برای نخستین بار جملاتی با وجه آرزویی ثبت شده‌اند:
- (۲۶) کاش تفنگمو با خودم می‌بردم  
۳۹ ماه و ۹ روز

### زمان دستوری و مطابقه

از نظر زمان دستوری در آغاز پژوهش مشاهده می‌شود که اکثر جملات پذیرفته هستند و آرش با تصریف فعل از این نظر آشناست. البته در میان جملات ثبت شده در هر ماه چند مورد خطای زمان دستوری وجود دارد که نمونه‌های زیر از آن جمله‌اند:

(۲۷) من: آرش چرا رنگ نمی‌کنی؟  
آرش: آخه دوست نداشتم (به جای دوست ندارم)

(۲۸) کی میاد حبه انگورو خورده  
۳۷ ماه و ۱۶ روز

(۲۹) قهر بودم باهات (به جای قهرم)  
۳۸ ماه و ۸ روز

از این موارد خطای زمان دستوری هر ماه یکی دو مورد تا ماه پایانی دیده می‌شود که البته این موارد نسبت به حدود هزار جمله‌ای که در هر ماه ثبت شده‌اند و از نظر زمان دستوری مشکلی ندارند، نادرند. در مورد مطابقه فعل با فاعل از نظر شخص و شمار نیز از ۳۷ ماهگی موارد اندکی خطای مطابقه ثبت شده است که این موارد نیز در مقایسه با جملات صحیح تولید شده در هر ماه نادر است. مثال‌های (۳۰) و (۳۱) نمونه‌هایی از جملات حاوی خطای مطابقه است:

- (۳۰) دو تا عروسکا نیست (به جای نیستن)  
۳۷ ماه و ۱۶ روز
- (۳۱) جیب از اسبا تندتر میرن (به جای میره)  
۴۱ ماه و ۳۰ روز
- تعداد جملاتی که خطای مطابقه دارند، نسبت به خطای زمان دستوری هم کمتر است و فقط در بعضی از ماه‌ها به چشم می‌خورند. بدین ترتیب اگر موارد اندک خطای مطابقه و زمان دستوری را با تعداد جملات بی‌شماری که صحیح تولید شده‌اند، مقایسه کنیم، می‌توانیم این موارد را خطای کنش در نظر گرفته و یا نقص بسیار کوچکی در هسته گره تصریف به شمار آوریم؛ ولی با توجه به تعداد زیاد جملات صحیح می‌توان

<sup>1</sup> self correction

گفت که کودک فارسی زبان در سه سالگی با زمان دستوری و مطابقت تا حد بسیار زیادی آشناست و افعال او هم از نظر تصریف مشکلی ندارد.

### گروه‌های اسمی

در مورد گروه‌های اسمی باید گفت که در ماه‌های آغازین، این گروه‌ها بسیار کوچک هستند و اغلب فقط از یک هسته اسمی تشکیل شده‌اند و به ندرت یک یا دو وابسته اسمی یا صفتی یا وابسته پیشین اشاری در آنها به کار رفته است؛ اما به تدریج ملاحظه می‌شود که در ماه‌های میانی بر طول گروه‌های اسمی افزوده شده و حتی در ماه‌های پایانی وابسته‌های پسین از نوع جمله فراوان به چشم می‌خورند. نمونه‌هایی از گروه‌های اسمی در ماه‌های آغازین، میانی و پایانی:

۳۲) دزد بی سواد (اسم + صفت) / ماشین من (اسم + ضمیر) /

این ضبط (وابسته پیشین اشاری + اسم)

۳۷ ماهگی

۳۳) پیشی بدجنس ناقلا (اسم + صفت + صفت)

۴۰ ماهگی

۳۴) هیچ برنامه‌ای (کمی نما + اسم) / همه برنامه‌ها (کمی نما + اسم)

۴۶ ماهگی

۳۵) همون خرسه که فضایی بود و یک فضای خالی داشت

۴۷ ماهگی

(وابسته پیشین اشاری + اسم + جمله و جمله)

۴۱ ماهگی

۳۶) تفنگ یکی از خانوما (اسم + گروه اسم)

۴۹ ماهگی

۳۷) یه فندک که الکی باشه (وابسته پیشین نکره + اسم + جمله)

استفاده از کمی‌نما در گروه‌های اسمی، اولین بار در ۴۴ ماهگی ثبت شده است و از آن پس تا ماه پایانی کاربرد انواع کمی‌نماها دیده می‌شود.

در مورد ضمایر و روابط آنها با مراجعشان در آغاز تحقیق نیز مشاهده می‌شود که مراجع ضمایر شخصی کاملاً صحیح انتخاب شده و تنها نکته قابل ذکر در مورد ضمایر شخصی، مواردی از حذف ضمیر یا کاربرد اضافی آنها در جمله است.

۳۸) دو تا بچه خوک بودن باباشون فرستاده بود (شون) برین برای خودتون

خونه بسازین (حذف ضمیر متصل)

۴۰ ماه و ۱۷ روز

۳۹) مامانم این می‌خواد می‌ره ماهیارو بخوره (کاربرد ضمیر متصل

اضافی بدون حالت تأکید)

۴۶ ماه و ۲۰ روز

۴۰) دورش خودش می‌چرخه (کاربرد اضافی ضمیر متصل)

البته این موارد به صورت خیلی نادر دیده می‌شوند و در اکثر موارد ضمایر شخصی مشکلی ندارند.

در مورد مرجع‌واره‌ها (ضمایر انعکاسی و دو سویه) در ماه‌های نخست، تعداد محدودی ضمیر انعکاسی در جملات ساده و کوتاه دیده می‌شوند و نمونه‌ای از کاربرد ضمایر دو سویه وجود ندارد. به تدریج در اواخر کار، آزمودنی با کاربرد ضمایر دو سویه نیز آشنا می‌شود که از نظر رابطه این ضمایر با مراجع آنها مشکلی مشاهده نمی‌شود. نمونه‌هایی از کاربرد مرجع‌واره‌ها:

۴۰ ماه و ۶ روز

۴۱) پسره خودشو هشت پا کرد

- (۴۲) بیاین راه ببرین همدیگه رو  
۴۷ ماه و ۹ روز
- (۴۳) خوب بیا با همدیگه بریم  
۴۸ ماه
- در مورد ضمائر انعکاسی در ماه‌های پایانی فقط نمونه‌هایی از عدم درک صحیح مرجع ضمیر انعکاسی در دست است که نمونه زیر از آن جمله است:
- (۴۴) آرش: مامان دایی شیرینی منو خورد  
۴۹ ماه
- من: نه دایی شیرینی خودشو خورد  
آرش (با قیافه‌ای پرسشگر): شیرینی تو رو خورد؟  
من: نه شیرینی خودشو خورد، شیرینی دایی  
آرش: نه مال منو خورد
- موارد فوق در مورد ضمائر با تحقیقات جهانی که بر روی زبان‌های دیگر صورت گرفته است از نظر ترتیب یادگیری مطابقت دارد؛ ولی می‌توان گفت کودک فارسی زبان زودتر با قوانین مرجع‌گزینی آشنا شده است.

### گروه حرف اضافه‌ای

- در ماه‌های آغازین، مواردی از حذف حرف اضافه از گروه حرف اضافه‌ای و کاربرد حروف اضافه به جای یکدیگر وجود داشت که به تدریج از تعداد اشتباهات کاسته شد و پس از گذر از چند مورد خود اصلاحی، تقریباً در ماه‌های پایانی خطاهایی از این قبیل نادر بودند یا به صورت خود اصلاحی (S.C) تصحیح می‌شدند:
- (۴۴) من: خروسه باید چیکارکنه؟  
۳۸ ماه و ۲۶ روز
- آرش: باید (تو) قفس می‌ره. (حذف حرف اضافه)  
۴۵) اون زد(به) سرش  
۴۸ ماه و ۲۶ روز
- (۴۶) افتاد تو افتاد تو ساعت (استفاده از تو به جای با)  
۳۹ ماه و ۲۹ روز
- (۴۷) فردا داشتم از ... با دوستم اشکان قطار بازی می‌کردم (S.C)  
۴۹ ماه و ۲۴ روز
- برای تبیین این امر یعنی استفاده حروف اضافه به جای یکدیگر شاید بتوان گفت که در این مقطع نظریه<sup>۱</sup> بازبینی<sup>۱</sup> هنوز به طور کامل وظیفه خود را انجام نمی‌دهد و به همین دلیل خطاهایی از این قبیل صورت می‌گیرد.

\* \* \* \*

حذف نشانه مفعول بی‌واسطه چه به صورت "را" و چه به صورت پی بست "0-" نیز از موردی بود که در ماه‌های آغازین فراوان به چشم می‌خورد. این مشکل نیز به تدریج مرتفع شد و در ماه‌های پایانی تقریباً موردی از حذف آن دیده نمی‌شود.

- (۴۸) آبش - قطع می‌کنم (به جای آبشو)  
۳۷ ماه و ۲ روز
- (۴۹) مار بچم - کشته (به جای بچمو)  
۳۸ ماه و ۱ روز

<sup>۱</sup> checking theory

## ساخت‌های مجهول

در ماه‌های نخست جملات ساده‌ای با ساخت‌های مجهول دیده می‌شوند. در ماه‌های پایانی با پیچیده‌تر شدن انواع جملات یا جملات پیچیده مجهول هم روبه‌رو می‌شویم. نکته جالب در ماه‌های پایانی، تعمیم قانون ساخت مجهول در افعال است که به صورت مجهول کردن افعال لازم مثل "مردن" یا مجهول کردن افعال در جملاتی که ساختار معلوم دارند، به چشم می‌خورد:

۴۹ ماه و ۱۷ روز

۵۰ وای مرده شدیم

۴۹ ماه و ۲۶ روز

۵۱ باباشونم ول کن نشده بود

از نظر درک گروه‌های اسمی در ساخت‌های مجهول در ماه‌های پایانی دست به دو بازی زبانی برای آزمودن توانایی درک جملات ساده و پیچیده مجهول زدیم. این آزمایش‌ها نشان داد که آرش در جملات ساده مجهول از نظر درک گروه‌های اسمی کنش‌گر و کنش‌پذیر (یا کنش‌رو) مشکلی ندارد؛ ولی در جملات پیچیده با اندکی اشکال روبه‌روست. این آزمایش‌ها به این صورت بوده‌اند:

۴۸ ماه و ۲۳ روز

۵۲ در بازی با دو عروسک فیل و سگ، سگ فیل را گاز گرفت

من: کی گاز گرفته شد؟

آرش: فیل

من: کی گاز گرفت؟

آرش: هاپو

از آنجایی که همیشه سگ‌ها گاز می‌گیرند، برای اینکه مطمئن شوم پاسخ‌های او به این مورد ربطی نداشته است، این بار از عروسکی به نام خوابالو استفاده کردم که فیل او را گاز گرفت.

من: کی گاز گرفته شد؟

آرش: خوابالو

من: کی گاز گرفت؟

آرش: فیل

همان‌طور که مشخص است با اینکه در الگوی فارسی جملاتی مثل "...گرفته شده." کاربرد زیادی ندارد، آرش کاملاً با ساختار آنها آشناست و در تشخیص نقش قمرهای افعال در جملات مجهول ساده اشتباه نمی‌کند. در بازی بعدی یک کامیون و یک هلیکوپتر اسباب بازی را با نخ به یکدیگر وصل و یک جمله مرکب را برای آزمایش خود انتخاب کردم:

من: آرش یه کاری کن که کامیون به وسیله هلیکوپتر کشیده بشه

آرش: چی بشه؟

من: کامیون به وسیله هلیکوپتر کشیده بشه

آرش: (کامیون را کشید تا هلیکوپتر کشیده شود یعنی درست برعکس عمل کرد)

من: حالا یه کاری کن که هلیکوپتر به وسیله کامیون کشیده بشه

آرش: یعنی کامیون بره هوا؟ (این بار هم درک او برعکس است)



همان طور که مشاهده می‌شود در این آزمایش عملی، آرش در هر دو مورد اولین گروه اسمی را در جمله کنش‌گر تلقی کرده است و عمل را به وسیله آن انجام داده است. در این آزمایش از جمله‌ای استفاده شده است که از نظر معنایی جای دو گروه اسمی کنش‌گر و کنش‌رو قابل تعویض است؛ یعنی هر دو می‌توانند بر دیگری اعمال حرکت کنند. در مطالعاتی که بور (۱۹۷۰) در مورد جملات مجهول انگلیسی انجام داد، دریافت که کودکان با درک جملاتی که در آنها این گروه‌های اسمی قابل تعویض نیستند، مشکلی ندارند؛ ولی در جملاتی که این قابلیت وجود دارد معمولاً کودک اولین گروه اسمی را در جمله، کنش‌گر تصور می‌کند؛ درست مثل اینکه یک جمله معلوم شنیده است.

البته در فارسی ترتیب کلمات در جمله به اندازه انگلیسی اهمیت ندارد؛ ولی این آزمایش نیز ادعای بور را ثابت می‌کند.

### سایر موارد

نکته دیگری که در ماه‌های پایانی به وضوح دیده می‌شود، کاربرد اصطلاحات است که ماه به ماه بر تعداد آنها و فراوانی استفاده از آنها افزوده شده است. این اصطلاحات در بیشتر موارد از نظر معنایی و ساختاری کاربرد صحیح دارند. البته در برخی موارد هم نا به جا استفاده شده‌اند:

- |                 |  |
|-----------------|--|
| ۴۸ ماه و ۲۰ روز | (۵۳) از تعجب شاخ در آورد                                     |
| ۴۸ ماه و ۲۵ روز | (۵۴) اگه نخری من می‌دونم با تو                               |
| ۴۸ ماه و ۱۳ روز | (۵۵) دارم از گشنگی دق می‌کنم                                 |
| ۴۸ ماه و ۱۵ روز | (۵۶) یه قلۀ چبش کرد (یک لقمۀ چبش کرد)                        |
| ۴۹ ماه و ۲۲ روز | (۵۷) من که از کار تو سر در نمی‌ارم دیروز از کارت سر در آوردم |
| ۴۹ ماه و ۷ روز  | (۵۸) گفت سرتو بدزد. مگه می‌شه؟ (عدم درک معنای اصطلاح)        |

آشنایی تدریجی آزمودنی با انواع وسایل برجسته‌سازی در جمله، مثل مبتداسازی و ... نیز در طول تحقیق قابل ذکر است.

آنچه در ماه‌های نخست از ویژگی‌های جملات محسوب می‌شد، تکرار یک واژه یا بخشی از جمله بود که شاید برای آمادگی ذهنی کودک برای بیان مابقی جمله یا نوعی برجسته‌سازی کودکانه جلوه‌گر می‌شد؛ اما در ماه‌های پایانی جملات بسیار پخته بودند و از این تکرارهای بریده بریده خبری نبود.

### نتیجه‌گیری

در طول چهارده ماه مطالعه این پژوهش، آزمودنی نظام زبانی بسیار پیچیده و غنی به دست آورد و از بیان چند معنی ساده در جملات ساده و کوتاه به بیان مسائل پیچیده و انتزاعی در جملات پیچیده پیش رفت. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که کودک فارسی زبان در سه سالگی (آغاز تحقیق) با تصریف فعل از نظر شخص و شمار آشناست و مطابقه و زمان دستوری به جز چند مورد نادر که ممکن است خطای

کنشی باشد در گفتار او به صورت پذیرفته رعایت می‌شوند؛ بنابراین به نظر می‌رسد در این مقطع گره تصریف (IP) در دستور او عملکرد خود را یافته است. اما با توجه به نمونه‌های عرضه شده، گره حرف تعریف (DP) و گره متمم‌نما (CP) در سه سالگی هنوز عملکرد ندارند و در میانه راه هر یک عملکرد خود را می‌یابند. از سوی دیگر با توجه به برخی نمونه‌های عرضه شده، به نظر می‌رسد در مقطع آغاز پژوهش، نظریه بازبینی هنوز به طور کامل وظیفه خود را انجام نمی‌دهد. در مورد ترتیب یادگیری صورت‌ها به طور کلی تناقضی با تحقیقات جهانی مشاهده نمی‌شود؛ فقط در برخی موارد - همان‌طور که در متن مقاله اشاره شده - سرعت یادگیری بیشتر بوده است. به طور کلی در این پژوهش، اطلاعات جمع‌آوری شده، حجم زیادی داشته و در میان آنها مسائل بسیار جالبی یافت می‌شد که بحث در مورد یک یک آنها از حوصله این مختصر خارج است. از سوی دیگر گستردگی مسائل در حوزه نحو نیز مجال پرداختن به تمام موارد را نمی‌دهد.

## منابع

- اچسون، جین (۱۳۶۴)، *روان‌شناسی زبان*، ترجمه عبدالخلیل حاجتی، تهران: امیرکبیر.
- پارسا، محمد (۱۳۶۷)، *روان‌شناسی رشد کودک و نوجوان*، تهران: بعثت.
- دبیر مقدم، محمد (۱۳۷۸)، *زبان‌شناسی نظری: پیدایش و تکوین دستور زایشی*، تهران: سخن.
- رحمتی‌راد، مرتضی (۱۳۷۷)، *بررسی نوع و بسامد مرجع‌گزینی در کودکان پیش دبستانی*، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد دانشگاه آزاد اسلامی.
- عماد افشار، حسین (۱۳۷۲)، *دستور و ساختمان زبان فارسی*، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، چ ۲.
- غلامعلی‌زاده، خسرو (۱۳۷۷)، *ساخت زبان فارسی*، تهران: احیای کتاب.
- فهیم، منصور (۱۳۷۲)، *رشد زبان فارسی و فراگیری زبان مادری*، رساله دکترای آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه آزاد اسلامی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۷)، "اکتساب زبان مادری در کودک". *مجله زبان و ادب*، ش ۳، ص ۱۱۳ - ۱۳۱.
- قربانی، الهام (۱۳۷۶)، *بررسی فرضیه‌های زبان‌آموزی کودک*، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی.
- لوریا، آ. آر و یودو ویچ، اف. یا. (۱۳۶۸)، *زبان و ذهن کودک*، ترجمه دکتر بهروز عرب دفتری، تبریز: انتشارات نیما.
- مشکوة الدینی، مهدی (۱۳۷۴)، *دستور زبان فارسی بر پایه نظریه گشتاری*، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۶)، *سیر زبان‌شناسی*، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- میرعمادی، سیدعلی (۱۳۷۶)، *نحو زبان فارسی: بر پایه نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

- میرعمادی، سیدعلی (۱۳۷۹)، *نحو زبان فارسی و انگلیسی در قالب برنامه کمیگی*، تهران: نشر فرهیخته.
- ناتل خانلری، پرویز (۱۳۷۳)، *دستور زبان فارسی*، تهران: توس.
- نوربخش، گیتا (۱۳۷۷)، *کاربرد ضمیر در کودکان گروه سنی الف تهران*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی.

- Aarts, B (1997), *English Syntax and Argumentation*. London: Macmillan Press Ltd.
- Bates, E (1976), *Language and Context: The Acquisition of Pragmatics*, New York: Academic Press.
- Berko, J (1958), "The Childs Learning of English morphology", *Word*; 14,150-177.
- Bever, T.G (1970), "'The Cognitive Basis for Linguistic Structure", In J.R. Hayes (E.d.), *Cognition and The Development of Language*, New York: Wiley.
- Bloom, L. ,et. Al (1980), "Complex Sentences: Acquisition of Syntactic connectives and the Semantic Relations they encode". *Journal of Child Language* 7,235-261.
- *Brown, R. W (1973), A First Language*, Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Clark, H.H. & Clark, E.V (1977), *Psychology and Language*, Harcourt, Brace: Jovanovich.
- Cruttenden, A (1979), *Language in infancy and childhood*, Manchester University Press.
- Gleason, J.B (1997), *The Development of Language*, Needham Height: Allyn & Bacon.
- Gleason, J.B. & Ratner, N.B (1993), *Psycholinguistics*, USA: Hot. Rinehard and Winston Inc.
- Ingram, David (1966), *First Language Acquisition: Method, Description and Explanation*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Limber, J (1973), "The Genesis of Complex Sentences", In T.E. Moore (ed.), *Cognitive Development and the Acquisition of Language*, New York: Academic Press.
- Menyuk, P (1971), *The Acquisition and Development of Language*, Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Halt.
- Radford, A (1981), *Transformational Syntax*, Cambridge: Cambridge University Press.
- \_\_\_\_\_ (1988), *Transformational Grammar*, Cambridge: Cambridge University Press.
- \_\_\_\_\_ (1990), *Syntactic Theory and the Acquisition of Syntax*, Oxford: Blackwell.
- \_\_\_\_\_ (1997), *Syntax: A Minimalist Introduction*, Cambridge: Cambridge University Press.